

اسناد و نامه های تاریخی

شوشگاه علوم انسانی
مجموعه بزرگ آثار تاریخی در شهر شماره ۱، چند سند و نامه از
رتال جل مع
اسناد و نامه های تاریخی که پیش از این در جبر چاپ شده اند
بچاپ پیرسانه تارفته رفته در رک و اسناد پرکننده تاریخ ایران
جمع آوری و برابر استغافه ترمه پند گان رسامه گردود.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

درباره روابط سیاسی ایران و فرانسه در دوره قاجاریه

(بقیه)

از

خانبا یایانی استا و انگاه تهران
دکتر دریانخ

-۱۲-

نامه میرزا شفیع به دوک دوریشلیو^۱

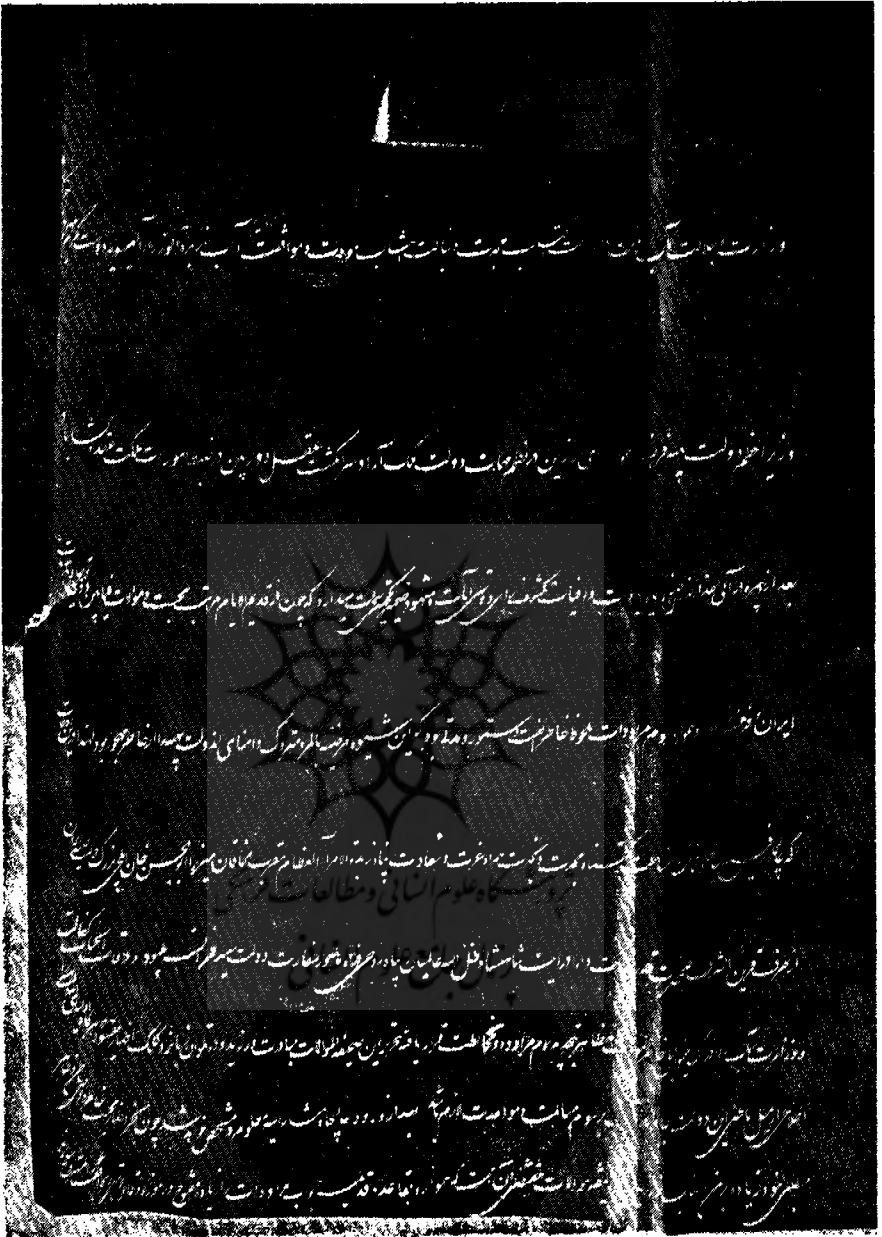
وزارت و جلالت مآب فنخامت و مناعت اکتساب مجدد و نبالت انتساب و موافقت آداب زبده الوزراء العیسویه دوست مکرم مهربان وزیر اعظم دولت بهیه فرانسه را همواره رأی وزین در نظم مهمات دولت ملک آرا و سرانگشت عقل دوربین در ضبط امورات ملکعت عقده گشایاد . بعد از چهره آرائی عذار عذرای صفحه بزبور دعوات واقیات مکشوف رأی دوستی آیات و مشهود ضمیر یکجهتی سمات میدارد که چون از قدیم الایام مراتب محبت و موالات فیما بین دولتین جاوید علامات ایران و فرانسه منظور و همواره رسوم مرادات ملحوظ خاطر الفت

۱ - جلد ۱۸ ، برک ۵۳ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در بایگانی وزارت امور خارجه فرانسه (عکس شماره ۱۲)

دستور، ومدتی بود که این شیوه مرضیه بالمره متروک و امنای آندولت بهیه را از خاطر مهجور بودلهذا در این اوقات که عالیجاه رفیع جایگاه فخامت و مناعت اکتناه مجدت و نجدهت همراه عزت و سعادت پناه زبده الامراء العظام مقرب الخاقان میرزا ابوالحسن خان ایلچی بزرگ دولت علیه ایران از طرف قرین الشرف اعلی حضرت قدر قدرت دارا درایت شاهنشاه ظل الله عالمیان پناه روحی فداء مأمور سفارت دولت سنیه فرانسه مینمود و ملاقات آن جناب کفالت و وزارت مآبر ادرک مینمود میل خاطر مودت مظاهر بتجدید رسوم مراد و مخالفت قرار یافته و بتحریر این صحیفه الموالات مبادرت ورزیده در تلو آن زبان زد کلك اظهار میشود که هر گاه اولیای آن دولت بهیه را اطلاعی از میل باطنی این دولت جاوید آیت برسوم مسالمت و مواحدت لازم باشد بعد از ورود عالیجاه مشارالیه معلوم و مشخص خواهد شد، چون بجز اظهار محبت خاطر و دوستی باطنی و ظاهر مطلبی نبود زیاده بر این اطناب نورزیده طریقه موالات مقتضی آن است که همواره بقاعده قدیمه ابواب مرادات را زیاده مفتوح و رموز دقایق دوستی و موافقت را مشروح سازند.

«در پشت برنگ محل مهر میرزا شلیح»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عکس نامه ۱۲ - نامه میرزا شفیعیع به دوک دوریشلیویو
برک ۵۳ کتاب ۱۸

نامه میرزا شفیع به وزیر امور خارجه فرانسه ۱

عالیجاه بلند جایگاهها جلال و نبالت انتباهها مجدت و نجدت
اکتناها عمدة الکبراء الفخاما

چون بنای دوستی و سازش فی مابین دولتین علیتین استقراری پذیرفته و امر اتحاد و یگانگی بین الجانیین بشوعی که تصور سر موئی مغایرت نتوان نمود صورت انتظام گرفته بر هواخواهان هر دو حضرت لازم است که یکدیگر را از اوضاع و اخبار مملکتین اخبار و مطالب و مهماتی که دارند از روی که مال یکجهتی نکاشته خامه اظهار سازند ، بنا بر آن در اینوقت که حامل مراسله روانه بود اظهار میشود که از قراریکه معلوم گردیده و نوشته نیز از نیارال فور بمارشال غراف گدایچ رسیده فکر و خیال جماعت روسیه آنست که حدود ولایات روس و ایران بعد از مصالحه ازینطرف گرجستان و داغستان معین شود و حال آنکه بر همه خلق عالم ظاهر است که از قدیم الایام ولایات مزبوره داخل خاک ایران و رأس الحد ممالک ایران و روس از آن طرف مزدوک بوده دوستدار جواب نوشته عالیجاه غراف گداویچ را بمشورت عالیجاه رفیع جایگاه عزت و مجدت دستگاه عمدة الکبراء المسیحیه جنرال غاردان خان مرقوم و این مطلب را بر او ظاهر و معلوم ساخت که اعلیحضرت قدر قدرت قضا مهابت پادشاه ذیجاه افتخ

۱ - جلد ۱۷ برگ ۷۰ اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در وزارت امور خارجه فرانسه (عکس ۱۳)

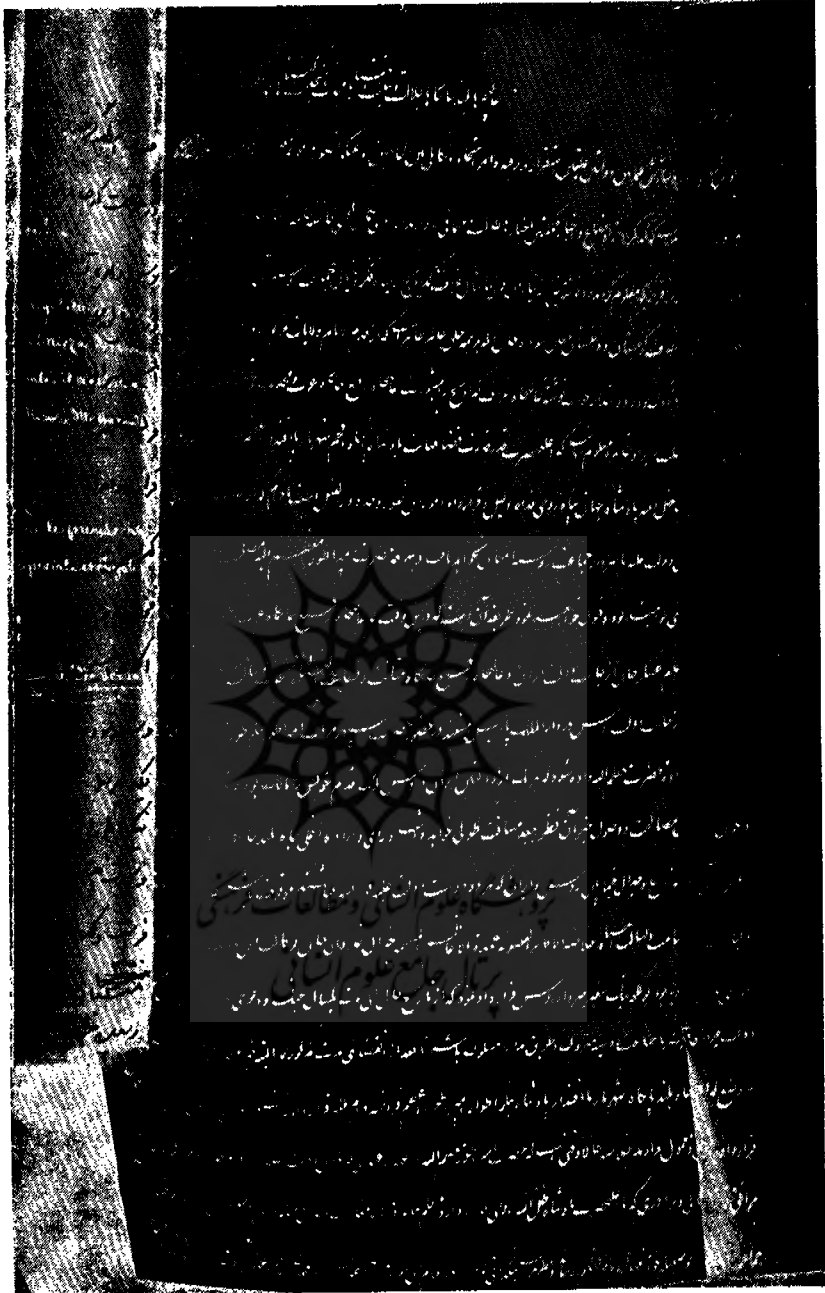
شهریار با اقتدار اعظم امپراطور نیکو اطوار فرانسه از جانب مرحمت جوانب اعلی حضرت ظل الله جهان پناه روحی فداه و کیل و قرارداد امور این تغور و حدود را کفیل است مادام که از حضرت امپراطوری قرارداد امر ایران نشود و مصالحه این دولت علیه با سردار جماعت روسیه امکان نخواهد یافت و بهر چه حضرت امپراطور معظم الیه مصلحت داند و بنا گذاری نماید اولیای این شوکت بهیه راضی خواهند بود و قبول خواهند نمود. طریقه آن است که درین وقت که عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه فخامت و مناعت اکتناه عمده الخوانین عظام عسگر خان از جانب دولت ایران و عالیجاه رفیع جایگاه متانت و فطانت اکتناه نجات و نبالت انتباه عمده الاکابر المسیحیه موسی کنت تالستای^۱ از جانب دولت روس در دارالملک پاریس هستند در حضور حضرت سپهر مرتبت امپراطور نیکو اطوار اعظم گفت و شنید نموده قرارداد مصالحه اصلیه برآی و اراده حضرت معظم الیه داده شود که هر یک از دولتین ایران و روس ملک قدیم خویش را مالک بوده تداخل در ممالک یکدیگر نمایند و چون وقوع این مصالحت و وصول خیر آن نظر ببعده مسافت طول خواهد داشت و رأی و اراده اعلی جاه بلند جایگاه شهریار با اقتدار نیکو اطوار امپراطور اعظم بر آن است که نزاع و جدال فیما بین روس و ایران که هر دو دوست دولت علیه فرانسه میباشند موقوف باشد، عالیجاه مجدت و نجات انتباه فطانت و کیاست اکتناه شهامت و بسالت انتباه خلاصه الاکابر - العسیویه عمده الاعظام المسیحیه جنرال غاردان خان بوکالت این دولت با عالیجاه فراست و کیاست اکتناه موسی بارن وردیه بود، پولکونیک سفیر سردار روس قرارداد نمود که از تاریخ حال الی مدت یکسال جنگ و دعوی و نبرد و قتال فیما بین منتسبان این دولت فیروزی آیت با جماعت روسیه متروک و طریق مدارا مسلوک باشد تا بعد از انقضای مدت مذکوره البته خبر مصالحه حاصله از پاریس رسیده خواهد بود، هر وضع که اعلی جاه بلند پایگاه شهریار با اقتدار پادشاه نیکو اطوار امپراطور اعظم فرانسه دام ملکه قرارداد باشند امنای دولتین ایران و روس همان قرارداد را قبول و معمول دارند، خلاصه حالا وقتی است که حضرت امپراطور معظم الیه از عهده عهدی که با این دولت بسته برآید

وامر حدود و ثغور ممالک ایران را موافق قاعده یگانگی و برادری که با
اعلیحضرت پادشاه ظل الله روحی فداه دارد منتظم نماید و بهیچوجه مغایرت و
جدائی میانۀ دولتین فرانسه و ایران نداند و لوازیم اجتهاد در استخراج جماعت
روسیه از این حدود بوضهیکه خود متمهد گردیده بظهور رسانند و نظر بمراقب
نیکذاتی که دارد در اتمام این امر سعی باشد و همه وقت باظهار مهمات و اعلام
حقایق حالات خود پردازد و الباقی ایام فرخنده فرجام بکام باد.

« دویشتہ بریک محل مهر میرزا شفیع »



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



عکس نامہ ۱۳- نامہ میرزا شفیق بہ وزیر امور خارجہ فرانسیسہ ۲ ژوئن ۱۸۰۸-
برک ۷۰ کتاب ۱۷

= ۱۴ =

نامه میرزا شفیع به سوماریپا مترجم سفارت فرانسه در بغداد^۱

عالیشان معلی مکان عزت و صداقت بنیان زبده الامائل المسیحیه سوماریپا،
باش ترجمان و کاتب سر دولت بهیه فرانسه بمافیت مقرون بوده معلومش
باد که نوشته آداب سرشته آنعالیشان واصل و از مضامین آن اطلاع حاصل
شده اخبارات دور و نزدیک را که رقم-زرد کلک صداقت سلك نموده بانضمام
قرآنی که در باب اتحاد این دو دولت بهیه قلمی داشته بود تمامی حالی و خاطر نشان
گردید. این مطلب ظاهر و آشکار است و ضرور اظهار و تذکار نیست آنچه
نوشته بود اینجانب مضاعف آن را امیدانم لکن چند آنست که ظاهراً بعلمت بعضی مواع
ترك آمد و شد رسل و رسایل شده اما در باطن همان مرادوت و یکجهتی باقیست
و نقصی بهم نرسانیده. اینکه خواهش نموده بود که ازین طرف مجدداً ابواب
اظهار دوستی گشاده بارسال رسل و ترسیل مراسلات مبادرت رود آنعالیشان
خود مطلع است که الی حالی ازین قبیل تعارفات ظاهری بسیار اتفاق افتاده
و بهیچوجه فایده و ثمری حاصل نشده می باید کاری کرد که مفید فایده باشد.
حال مدت دو سالست که اینجانب زحمات بسیار و مرارات بیشمار می کشم
که شاید رفع بعضی ملامت و ناخوشی از خود نمایم و هنوز بجائی منتهی نشده

۱- جلد ۱۸ برگ ۱۰، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در وزارت امور خارجه فرانسه

(عکس ۱۴)

آنعالیشان البته از چگونگی مرارت این دو سال اینجانب در پاس دوستی آن دولت مطلع نشده است. حال که آن عالیشان خواهش تجدید رسوم الفت و اتحاد فیما بین دولتین بهمتین را نموده است اینجانب نیز زیاده از حد این مطلب را طالب میباشم چرا که در ایران و درب خانه شاهنشاه جهان و جهانیان خیر خواه دولت فرانسه محسوب شده ام و باینجهت هنوز هم مورد توییح و ملامت اهالی ایران میباشم مکرر قلمی شده است که هر گاه پادشاه فلک بار گاه فرانسه و رجال آن دولت بهیه می خواهند که رفع بدنامی خود کرده در عالم محمود و نیک نام باشند اینم یعنی برای آن دولت میسر نخواهد شد بجز اینکه عهد و میثاقی که در خصوص اخراج روسیه با دولت قاهره بسته اند وفا نمایند که راه عرض و استدعائی برای این خیر خواه بدست آید. حالا اگر از جانب شما حرفی بگویم اندیشه دارم که حمل بر بعضی جهات نمایند آخر دوستی و آشنائی دو دولت بزرگ را نفی و ثمری ضرور است خلف عهد و سست پیمانی شما که عالم گیر شده و از ایلچیان و فرستادگان آن دولت هر که اینولاشده هزار گونه سخنان دوستانه مسموع گردید یکی از قوه بفعل نیامده. یکی مذکور ساخته که امپراطور اعظم از راه دریا هزار تفنگ فرستاده، یکی نوید داده که پنجاه عراده توپ می آورند، یکی دیگر گفته که پادشاه محض خاطر شما با روسیه مصالحه کرده ایلچی فرستاده که روسیه را بیرون نمایند ما هم به همین هوس موسی لاژار را تدارک کلی نموده نزد گدویچ سردار روسیه فرستادیم. بعد از ورود آنجا بسردار و کار گذاران ایندولت تکلیف و اهتمام می نمود که شما قلاع را خالی کرده بروسیه وا گذارید تا من بنای متار که میان شما بگذارم. این همه معلم و مهندس که از آن دولت در آنجا بودند با آن که کمال محبت و نوازش درباره ایشان بعمل آمده و از مال دنیا بهیچوجه مضایقه نشده همینکه بنای دعوا و جنگ باروسیه شده یکجا خود را کنار کشیده نزدیک نیامدند. عسکرخان را با پنجاه هزار تومان تحفه و هدایا روانه پاریس فرمودند. سه چهار سال او را در آنجانگاه داشته باده هزار تومان قرض روانه ساختند، بخلاف اینطرف که ابلچیان را با تدرک بهسرنوع که دلخواهی ایشان بود روانه کردند. هرروزه عسکرخان از پاریس مینوشت

که چنان و چنین جواهر و تحفهها درست شده میآورم یکجا همه دروغ محض شده، عسکر خان با آن همه قرض مراجعت کرد. آخر چه واقع شده بود دو پادشاه عظیم الشان که باهم دوستی و تعارف و مهر بانی مرعی میدارند چرا از آنطرف میبایست مبارکباد و تعارفی بعمل نیاید که در میان دولت های عالم برای ایندولت سبکی و بدنامی حاصل شود. اگر از رفتار و دوستی انگریز اظهار نمایم مجملی آن که از روزیکه بنای دوستی را گذاشته ایلچی ایشان وارد شده است جزئی دروغی نگفته و نمی گوید و سالی دو یست سیصد هزار تومان وجه نقد بسر کار اقدس شاهنشاهی میدهند و تا حال سی چهل هزار تنگ و پنجاه عراده توپ داده اند و همین دفعه همه معلم و تویچی و آدم های ایشان باقشرن ایرانی موافقت کرده دعوی عظیم با روسیه واقع و شکست فاحشی داده دو سه هزار روسیه را کشته و گرفته و تا حال چندین مرتبه ایلچی ایشان آمده برای سرکار عظمت مدار شاهنشاهی مبالغ کلی جواهر و تحفهها آورده، برجال دولت علیه کسی نمانده که لازمه تعارف بعمل نیاورده و لازمه ایستادگی داشته و دارند که روسیه را بزور و پول انشاء الله بموافقت این دولت علیه از ایران بیرون نمایند. ایلچی که از دولت علیه رفته و میرود، دولت انگریز خود متحمل اخراجات آن شده و میشوند. آن عالیشان که این تکلیف را نموده راست است اینجاناب همیشه بخیر خواهی دولت بهیة فرانسه معروف و مشهور بوده ام ولیکن از کم غیرتی و بی اهمتامی شماره حرقی در این آستانه علیه ندارم. چرا باید درجال آن دولت جاوید مدت که بهمه صفات حسنه آراسته می باشند تنگ بدعهدی و سست پیمانی را که از همه عیوب بدتر است بر خود پسندیده چشم از یاس عهد و نگاهداری پیمان بپوشند بخدا که اینجاناب محض خیر خواهی که بعلت آمد و رفت آن دو ساله بهم رسیده است بر خود هموار نمیتوانم کرد و همیشه بعلت شهرتی که بخیر خواهی آن دولت دارم نذر همه کس خجل و منفعل می باشم درین چند ساله که مباحثتی بتقریب قطع رسل و رسایل دست داده بود همیشه خواهشمند این مطلب بودم که واسطه معقولی که محرمیت و صداقت داشته بهم رسد تا در صدد اظهار بعضی مراتب برآمده مجملی از آنچه درین مدت فیما بین

رخنموده معلوم سازد. بهتر که آن عالیشان که از تمامی کارها مستحضر و آگاه
 و از قراریکه معلوم شده بی نهایت نیک اندیش و خیر خواه است باز باین حدود
 آمده سبقتی در اظهار بعضی مراتب نمود تا تازه مطالب در صدد اظهار بر آید و
 در پرده خفا نماند. الحمد لله رب العالمین پرورد گار پاک خدمه این دولت علیه
 را از اعانت جمیع دول بی نیازی داده است و ابواب فتوحات بر چهره آمال این
 دولت جاوید مدت گشاده. البته مسموع آن عالیشان گردیده است که درین سال
 فیروزی مآل تاجه حد آثار ضعف و فتور از صدمات سپاه مقصور در احوال
 روسیه این سرحد راه یافته، چه قدر از آنها مقتول و چه قدر دستگیر شده.
 آنچه اظهار و قلمی شد محض دوستی و خیر خواهی بود. چنانچه آن عالیشان
 صلاح داند همین نوشته را انفاذ پاریس نزد امنای دولت بهیه فرانسه نماید.
 پیوسته مترصد اخبارات و مرجوعات می باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Handwritten text in Persian script, likely a historical document or travelogue. The text is densely packed and covers most of the page. There are some faint circular stamps or seals visible on the page, particularly in the upper left and lower right areas. The ink is dark, and the paper appears aged and slightly yellowed.

عکس نامه ۱۴ - نامه میرزا شفیق به مترجم سفارت فرانسه در بغداد - برگ ۱۰ کتاب ۱۸

نامه میرزا شفیع به کنت دوشامپینی^۱

تحفه دعائی مستجاب چون رشته های گوهر ناب و خوشهای در خوشاب
رخشنده و فروزنده و هدیه ثنائی مستطاب مانند زلف سنبل یرتاب و چشم
نرگس نیمخواب زبینه، شایسته انجمن حضور فرخنده دستور واسطه نظام
مناظم امور رابطه قوام مصالح جمهور که نظم سلك ملك بنوك كلك گهر بارش
مربوط است و قرار کار دولت بخامه بیقرارش منوط . تو اتر صفحات ارقامش دوحه
صدارت را طراوت بخشای تقاطر سحاب اقلامش روضه وزارت را نضارت افزای
فکر دور بینش نور دیده بینش رای نکته دانش آرایش عذار دانش بحر جلال را گوهر
تابان سپهر اقبال را اختر رخشان گلزار وفا و اغنچه غناج بازار و فاق راسرمایه
رواج و حیدد هر فرید دور فزاینده وز داینده عدل وجود دانای معانی نکته دانی
بانی میانی مهر بانی موسی شامپینی است که تاج جهان است از نیل امانی دو جهانی
قرین شادمانی و کامرانی باد، بعد از شرح مراتب دعا بر لوح صحیفه مدعا مینگارَد
که دیری گذشته و عهدی منقضی گشته است که عندلیب خوشنوی خامه بر کلبن
زیبای نامه منقار دستان سرائی نکشوده و شاهدان راز ترک شیوه غمازی نموده
در پرده ناز آسوده اند، گلشن مرادوات رادر بسته است و طایر مکاتبات را پر داده،
شوقمند که بمطالعه نگاشته كلك آسای انس تمامی داشت در راه انتظار باز

۱ - جلد ۱۷ برگ ۱۰۸ ، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران در وزارت امور خارجه
فرانسه (عکس ۱۵)

است و مرغ دل بهوای استعمال حالات نیکو علامات در پرواز. هر وقت سفیری از سفرای آن حضرت سنیه یا بریدی از جانب سنی الجوانب این شوکت بهیه عازم آنصوب باصواب شده دوستدار بمقتضای رسوم دوستی در صدد شرح حال و استخبار احوال خجسته مآل برآمده به وسایل رسایل دوستانه ابواب موآلفت را مفتوح داشته است و هر بار فصلی در اشواق ضمیر مودت تخمیر را با تفصیل مقاصد و مطالب بقلم یکجبهتی نگاشته نه جوابی از جانب آن جناب واصل گشته و نه وقوفی بر موجبات تأخیر جواب. حاصل قریب دو سال است که عالیجاه رفیع جایگاه شهامت دلالت همراه ضخامت و نبالت پناه ابهت و مناعت آگاه عمدة الخوانین الکبار عسکر خان سالار عساکر افشار از دربار سپهر مدار اشرف اعلی مأمور به سفارت آنولا گردیده از اینرو خبری که منتج اثری باشد نرسیده تا آنکه بحمدالله تعالی ریاض موافقت دولتین را هنوز آغاز ربیع است و شاخ مواحدت حضرتین را برگ و سازی بدیع و خاطر مهر مایل را حیرتی کامل است که چرا آنهمه گرمی بازار مرادوت بسردی مبدل شده و درین طرف مدت رسوم دوستی و دوستداری بکلی مهمل و معطل مانده. شهریاران کامکار که هر یک را داغ اطاعت زیب جبهه سپهر است و حلقه طاعت آویزه گوش ماه و مهر با یکدیگر عهدی بستند و مهری پیوستند. از آنطرف عهدنامه همایون فرستادند و از اینطرف مهر قبول نهادند، اولیای آنحضرت و کالت این دولت را متکفل گردیدند و امنای این دولت مطابقت با آنحضرت را مقبل. جزء اعظم این شروط و عهد بیرون شدن طایفه روس از خاک این ملک محروس بود و اتمام عهد پادشاهان کامران در عهده اهتمام وزرای کاردان است، درینصورت هرگاه از آن برادر مهرپرور که بساط آن حضرت را زیور است گله دوستانه شود از راه و رسم انصاف دور نخواهد بود، امروز آوازه این عهد وفاق در عرصه آفاق مشهور شده هر قدر تأخیر در اتمام آن برود راه سخن مردم زیاده و از هر سوزبانی بگفتگو گشاده خواهد شد. پوشیده نیست که حاصل پادشاهان عادل درین دار عاجل منحصر بنامی نیک است و هیچ نیکنامی از وفای عهد نیکوتر نخواهد بود. بدین دلیل اکنون در اتمام امر عهد موقع شتاب و تعجیل است نه موقوف درنگ و تعطیل. عالیجاه رفیع جایگاه فراست و کیاست

انتباه فطانت و متانت اکتناء عمدة الاقران و الاشباه خلاصة العیسویین میرزا یوسف مریم ژوانین که سفیری کاردان است عازم حضور آن جناب است، درین چند سال که بخدمت کارگزاری و ترجمانی اشتغال داشته و در کار اعلام اسرار دولتین بوده است و بر مکتوبات ضمائر طرفین اطلاع حاصل نموده پاره امور را که تحریر آن مقدور نیست بتقریری دلپذیر حالی ضمیر مهر نظیر خواهد ساخت، مجملا بر رأی مودت دستور مخفی و مستور نباشد که اگر از جانب کارکنان دربار در کار و بار این دولت بیزوال فی الجمله مسامحه و اهمالی رفته باشد ازینطرف بهیچوجه من الوجوه در بنیان دوستی قدیم قصوری و در ارکان یکجبهتی قویم خلل و فتوری راه نیافته و نخواهد یافت، عهد همان عهد است و پیمان همان پیمان تا چرخ برین و سطح زمین را تدویر و تمکنی است سیاق و فاق اولیاء ایندولت جاوید قرین برین وضع و همین آئین خواهد بود مقتضی رسوم مواحدت و مستلزم شروط موآلفت آن است که من بعد برخلاف اوقات گذشته تارک طریقه فراموشکاری گشته گاه و بیگاه دوستان راسخ الوداد را بنگارش مراسلات مودت بنیاد یاد نمایند و سفارش مهمات اتفاقیات شاد الباقی ایام خجسته فرجام بکام باد یا رب العالمین

« ددپشت برنگ محل مهر میرزا شفیع »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Handwritten Persian text in a cursive script, likely a historical document or letter. The text is densely packed and covers most of the page area.

عکس شماره ۱۵ - نامه میرزا شفیغ به کنت دوشامپینی - بتاريخ ژانویه ۱۸۱۰
برك ۱۰۸ كتاب ۱۷
در پشت نامه محل مهر میرزا شفیغ (لاله‌الاوله الملك المتین محمد شفیغ)

نامه لابلاش فرانسوی به میرزا شفیع (بفارسی) ۱

آصف الزمانا معتمد السلطانا امین الدولتین ادامہ اللہ تعالیٰ الی یوم القیام.
 داعی نیکخواہ شوکتین بہیتین کاتب سر دولت فرانسیہ حالا مأمور بیایتخت
 ایران جنت نشان، لابلاش، کہ صداقت و خیر خواہی دولتین علتین را
 سرمایہ امیدواری خود ساختہ باظہار این مطالب میپرورازد، کہ در زمان میمنت
 اثر کہ در حضور حضرت قدر قدرت قبلہ عالم و عالمیان نامہ محبت علامہ را از
 جانب خیر جوانب ایمپراطور اعظم رسانیدم از کلام مبارک خسروانی شنیدم کہ
 اعلیٰ جناب نایب السلطنہ العلیۃ المالیہ عباس میرزا باعسا کر ایرانیہ و جناب
 حاجی یوسف پاشا باجنود عثمانیہ باتفاق یک زبانی مفتوح ابواب جنگ و جدال
 خواهند بود و خزاین فراوان و ہر گونه توشہ و اسباب حربیہ دریغ نخواہیم
 کرد [کذا] تامایہ دشمن را ضعیف و مقہور و از اطراف شرقیہ بزور آوری و دستیاری
 سپاہیان اروم و ایران قلع نمائیم، در این اوقات نیز نامہ دیگر اعلیٰ حضرت
 ناپولئون و مزدہ فتوحات عسا کر فرانسیہ و پیغام شکستگی اروس منحوس
 در صحرائ ایلان رسیدند و خاطر مہرتخمیر پادشاهی کمال سرور و شادمانی
 پذیرفت، در اردوی ہمایون سینقلعہ فی تاریخ ۱۲ شہر ربیع الثانی عالی حضرت
 سلطانی مجدداً فرمودہ بودند کہ بامداد عسکر شاہزادہ اعظم اکرم خزینہ و
 زنبور کخانہ و اسباب قتال و دستہ دستہ جنگیان کار آزمودہ را بصوب آذربایجان

۱ جلد ۱۷، بر گہای ۴۶ و ۴۷ و ۴۸، ۴۹. (عیناً بدون تفسیر و تبدیل عبارات درج میشود)

روانه فرمودیم پس از این بارها وعده مکرر نموده بودند که من بعد خودداری در جنگ نخواهد شد و باز در تاریخ ۳ شهر جمادی الثانی در چمن سلطانیه بدین داعی، شاه فرمودند که اختیار تمام بدست مالک رقاب شاهزاده عباس میرزا تسلیم فرمودیم و الحال از رودخانه آراس بتسخیر بلاد قره داغ خواهد گذشت و قشون رگابی و جنود آذربایجان را الی دلو و حوت مرخص فرموده باید که در مقابل اروس بمانند تا آن دشمن بد کردار از زمین ایران بالکلیه بیرون رانده شود و در همان روز عالی حضرت پادشاهی بدین داعی اعلام فرمودند که ما آن مطالب بیهوده و از شروط ناشنوده ایوان واسویج قهر اعراض کردیم و اخراج و درانیدن آن رسول حيله اندیش از پیش جناب نایب السلطنه علیه علامت پیکار خواهد گردید و آن کلام مبارک و ترجمه ذیقیمه که آن جناب آصف زمان بدست این داعی تسلیم نموده بودند بتعجیل تمام از خدمت جنرال سباستیانی تحریراً ارسال کردیم ، لاجرم در حین مذکور این داعی صداقت کیش توقع میداشت که دولت علیه ایران صادقانه و حافظه المهود ساز جنگ وجدال را بنوازد ، اما تیر امیدیکه بنا بر یمین و ایمان و عهد و پیمان فیما بین اعلی حضرت امپراطور اعظم و عالی حضرت قبله عالم روادانستیم و خدنگ انتظاری که از سخن زبان گوهر فشان سلطانی حاصل نمودیم تا حال باطل و بیهوده انداخته به هدف کامرانی فرسیدند چهار ماه گذشت از یوم قدوم این داعی بحضور امنای دولت علیه ایران و هیچ یکی از مطالب مأموره بجای وارد نشد و وعده هائی که بارها شنیدیم بی معنی و بی اساس گردیدند ، اگر چه دائماً اولیای آن دولت بدین خیر خواه گفته اند که خواهش و مقصودات حضرت ناپولئون که معلوم و مکشوف ماشود شکمی نیست که با جابت مقرون خواهد بود .

اندیشه و مظنه اعلی حضرت ناپولئون کدام میباشد ، چون شنود که در حین جان نثاری خود و در زمان چندین خون فشانی دلیران عساکر فرانسیه بواسطه فتح عملی شاه دولت ایران فرصت را غنیمت نمیشمارد و گروه قلیل را که بی قوت و بی قرار مانده پناهی ندارند تا امروز در از نفوذ ممالک خویش ندواند .

کلی عالم تعجب خواهد کرد ، چون شنود که پادشاه ایران برادر مهر گستر امپراطور فرانسه هنگام بختمندی را نستود و آتش انتقام را در خون

عدو خیره سرو [-] پرور فرو نشانند صلاح این سه دولت فرانسه و اروم و ایران یکی است و دشمنان و بدخواهان ایشان هم یکی است و عهود و موثیق که این سه دولت را بیکدیگر می‌بندند بسی تمام از هر سه جانب نگاهداشته باید و شاید که الی یوم القیامه استوار و پایدار بماند و حضرت ناپولئون که بتوفیق الله تعالی و عده خود را همواره بفرجام خیر همی انجامد بقیروزها و دستبرد خود طعمه کار گذاران دولت اروم را مسدود ساخته و بیخ قصد تسخیر ایران را که صد و پنجاه سال سرمایه و آرزوی آنها بود به نیروی و زور مندی بازوی بر کند آثار صداقت و وفاداری خود را بر جهان و جهانیان آشکار و هویدا فرمودند و در خصوص اندیشه و مقصود نامحدود امنای دولت ارومیه معلوم است که اولیای دولت ایرانیه بی‌خبر و بی‌آگاهی نبودند چون که نظر بر رفع و دفع آن دشمن صعب کرده خواهش عهد دوستی و پیمان یکجتهی با دولت امپراطوریه فرانسه نمودند و چون عمارت اتحاد و داد بنا بر بنیاد ارادات داور توانا ساخته است رخنه و خللی در این دیوار نباید کرد.

در چنین اوقات و با چنین پیوستگی امنای ایران چه حرکت نمودند آن دولت و عساکر و دلیران قزلباش در کنج آرام مانده و پای در طریقی دور از صلاح خود نهاده و قدم در جاده مخالف پیمان دولتین علیتین گذاشته راه صدق و وفا را نگرفت عساکر حضرت ناپولئون بلاد و سیط ممالک ارومیه را کارزار ظفر خویش و میدان عار و فرار عدو بدانندیش را ساخته سلامت و راحت ایران را بخون ارجمند خود خریدند و از جانب دولت عثمانیه لشکر منصوره ایشان از چنگ اروم منحوس ولایات آلاح بغداد و جزیره تندوس را پس گرفت و در میان چندین فتوحات عساکر ایران در مقابل چهار هزار نفر اروم پراکنده و پریشان بقرار و حیران که طاقت حمله دستة دلیران نیارند پیش نرفته بلکه دور و بعید از مر که نشسته‌اند.

خلاصه چون مرموزه ضمیر عالی حضرت قدر قدرت خسروی اینست که عقد و داد و دوستی و اتحاد و برادری هرگز گسسته نگردد این داعی صداقت اندیش بیجناب آصف الزمان مسئلت مینماید که بر سبب درنگ و برعلت عدم جنگ حالی و مطلع کرده جواب این مطالب مرقوم فرموده بدست این داعی

مسلم گردد . متوقع آنکه آن جناب همین رقیمه را بنظر همایون ظل‌اللهی رسانیده آنچه که عالی حضرت پادشاهی میفرمایند بکاتب حروف اعلام نماید و این نیکخواه شوکتین بهتین یدی دعای بدر گاه داور ذوالمنن برداشته ازدیاد عمر و دولت جناب آصف‌الملک و امنیت ممالک ایران شفاعت مینماید امید که چون از شایبه ریامبراست باجابت مقرون باد برب العباد و این رقیمه در دار السلطنه طهران در ۸ ماه سنبر ۱۸۰۷ میلاد عیسویه موافق شهر رجب المرجب سنه ۱۲۲۲ تحریر پذیرفت .





عکس نامه ۱۶ قسمت اول - نامه لابلا نش بناربخ ۸ سپتامبر ۱۸۰۷
برك ۴۹ كتاب ۱۷



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پرتال جامع علوم انسانی

عکس نامه ۱۶ قسمت دوم - بقیه نامه لابلاش
برک ۴۸ کتاب ۱۷

عکس نامہ ۱۶ قسمت سوم - بقیہ نامہ لابلا نئس
برک ۴۷ کتاب ۱۷





پروفیسر شاکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنٹل جامع علوم انسانی

عکس نامہ ۱۶ قسمت چہارم - بقیہ نامہ لابلاہیں
برک ۳۶ کتاب ۱۷

نامه بوداق^۱ به ناپلئون^۲

عرضه داشت بنده دولتخواه بموقف عرض مقربان دربار انجم احتشام والا میرساند که اگرچه الی حال این بنده عقیدت خصال در ظاهر نسبت بمعنای آن دولت قاهره زابطه بندگی و دولتخواهی سبقت نیافته اما همیشه در باطن طالب اینمعنی می بوده که حقیقت اخلاص و دولتخواهی خود را در پیشگاه ضمیر آفتاب مظاهر والا جلوه ظهور دهد، نظر باینمعنی برزمه بندگی و دولتخواهی لازم است که کیفیت مجاری حالات و اخبارات ایران را به خدمت بارفت عرض نماید لهذا پارسال یکنفر ایلچی پادشاه انگلیس آمده حال در تبریز است راه و رسم جنگ فرنگی را تعلیم سواران ایران میدهد و امسال هم یکنفر ایلچی دیگر همین از طرف پادشاه انگلیس رسیده حال در دارالسلطنه طهران اقامت کرده و چنین تمهد و قرارداد کرده که او بسر کرده - کری قشون ایران تعیین و تمامی مواجب قشون ایرانیان از خزانه پادشاه انگلیس داده خود متوجه دعوار مدافعه قشون پادشاه روس بشود^۳ و درینوقت هم از طرف پادشاهان ایران و روس خواهشمند شده بود که باهم بنای

-
- ۱- بوداق که بائند ظاهر باید ارمنی باشد از ما مورین مخفی ناپلئون در ایران بوده است. تاریخ این نامه ۱۸۱۰ می باشد .
 - ۲- جلد ۱۷، برگ ۱۱۷.
 - ۳- اشاره بقراردادی است که الیس Ellis سفیر انگلیس در تاریخ ۱۲ ذی الحجه ۱۲۲۹ (۲۵ نوامبر ۱۸۱۴) بادربار فتحعلیشاه منعقد ساخت.

مصالحه و سازش بگذارند از اینطرف عالیجاه مقرب الخاقان میرزا بزرگ بحوالی الکای شیشه رفته از آنطرف هم قرمه ساو اسر کرده روسیه تا آنجا آمده باهم ملاقات حاصل کرده دیگر معلوم نشد که بنای مصالحه آنها صورت سرانجام گرفته یانه و نیز باید درین چند وقت رایات نصرت آیات شاهی از دارالسلطنه طهران حرکت کرده در مملکت عراق در موضعی که موسوم بچمن سلطانیه است نزول اجلال فرموده باشند، زیاده ازین خبری که قابل عرض باشد صورت وقوع نیافته، بمذالیوم نیز هر خبری که صورت وقوع یابد بخدمت بارفتمت عرض خواهد نمود، چون این بنده دولتخواه را از جمله اخلاصندان آندربار حساب نموده ذیلا استدعا آنکه از لوحه ضمیر منیر محو نفرموده بارجاع خدمات بین الامثال سر بلند فرمایند زیاده جرأت نموده امره الاعلی .

« دیشت نامه محل میر بوداق باین عنوان (عبده بوداق) »



یادداشت مجله

در شماره ۳ و ۴ سال سوم گزارشی از جریان نخستین کنسرت تاریخ در ایران که بهمت وزارت فرهنگ و هنر گشایش یافته بود درج گردید و در آن گزارش نام ۱۳ تن سخنرانان کنسرت که هر يك در بساطت بستگی و ارتباط تاریخ با یکی از دانشها و مسائل زندگی به نیکوئی سخن رانده بودند، نیز یاد شد. اکنون با اجازه و سپاسگزاری از وزارت فرهنگ و هنر در هر شماره از مجله یکی از سخنرانیها را برای آگاهی خوانندگان ارجمند مجله و ج می‌کنیم.

بررسی های تاریخی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی